

معماری متأثر از قدرت سیاسی به مثابه نشان فرهنگ سیاسی در شهر اسلامی^۱ نمونه موردی: مصلی تهران

فهیمة یاری*: پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر، دانش آموخته دکتری معماری و پژوهشگر مرکز تحقیقات وزارت راه، مسکن و شهرسازی، تهران، ایران.
سید امیر منصوری: عضو هیأت علمی، گروه معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

چکیده

Architecture influenced by political power as a symbol of political culture (Case Study: Tehran's Mosalla)

Abstract

The urban landscape and architectural styles reflect the political project of a state and its ideology. Urban government buildings built by governments, especially in the capitals, have a key mechanism in describing the governance approach in cities. The relationship between people, politics and the city are shaped through these monuments. In Tehran, as the capital of the Islamic Republic of Iran, paying attention to the symbol of political culture in the architecture of the monuments is of great importance. The case study studied in this research was the religious-political structure of Mosalla of Tehran. The present study aims at assessing the relationship between urban landscape and politics and to define the political culture. The study of the adaptive nature of the architecture of the building with the qualitative features of the political culture of the Islamic Republic of Iran is the main objective of this research. The nature of the research is qualitative and has been studied by documentary and case study.

The criteria for the evaluation of amnesia are based on Karl Schmidt's views and then the quality indices related to those criteria are presented and the extent of adaptation of Tehran's Moslems to the indicators is measured. Regarding the prevalence of religious values after the Islamic Revolution, it cannot be found that there is a significant correlation between the general approaches of the system and the cultural characteristics of Iranian society with the architecture and the process of making Tehran's industrial fabric.

Keywords: Architecture, Power, Politics, Tehran's Mosalla, symbol of culture.

ساختمان‌های شاخص شهری که توسط دولت‌ها ساخته می‌شوند همچون منظر شهری و سبک‌های معماری، بازتابی از پروژه سیاسی یک حکومت و ایدئولوژی آن هستند. ارتباط مردم، سیاست و شهر از طریق این بناها شکل می‌گیرد و حکومت از طریق آن‌ها هویت، قدرت و اقتدار خویش را به زندگی عمومی و روزانه مردم القاء می‌کند. در کشور ایران نیز به‌واسطه انقلاب تغییرات سیاسی در ساختار قدرت حکومتی اتفاق افتاده از این‌رو مطالعه معماری که بیانگر این تغییر از پادشاهی به جمهوری اسلامی است در شهر اسلامی تهران از ضروریات است.

این پژوهش برآن است تا ارتباط منظر شهری (به عنوان نشان فرهنگی) با سیاست را مورد ارزیابی قرار داده و به تعریف نشان فرهنگ سیاسی دست یابد. نمونه موردی مطالعه شده در این تحقیق بنای مذهبی- سیاسی مصلی تهران است. دلیل انتخاب، کارکرد مذهبی - سیاسی آن است که سبب شده شاخص‌های معماری قدرت را داشته باشد. در نظام جمهوری اسلامی می‌توان گفت که مذهب، قوی‌ترین ابزار مشروعیت محسوب می‌شود؛ و مصلی به عنوان تریبون قدرت و محل بیان موضع حکومت مطرح است.

روش تحقیق و ماهیت این تحقیق کیفی بوده و با مطالعه اسنادی و موردی انجام شده است. درنهایت، معیارهایی برای ارزیابی امر سیاسی براساس دیدگاه‌های کارل اشمیت معرفی شده و سپس شاخص‌های کیفی مرتبط با آن معیارها ارائه و میزان انطباق بنای مصلای تهران با شاخص‌ها سنجیده شده است. با توجه به رواج ارزش‌های دینی بعد از انقلاب اسلامی، نمی‌توان تطابق کاملی میان رویکردهای کلی نظام و مشخصات فرهنگی جامعه ایران با معماری و فرایند ساخت مصلی تهران یافت.

واژگان کلیدی: معماری، قدرت، سیاست، مصلی تهران، نشان فرهنگی

* نویسنده مسؤول Yari.fahim@gmail.com & F.yari@bhrc.ac.ir

۱- این مقاله برگرفته از تز دکتری فهیمة یاری، با عنوان «معماری قدرت در جمهوری اسلامی ایران» به راهنمایی استاد سید امیر منصوری است.

۱- مقدمه

تغییر نظام سیاسی ایران طی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ سبب شد تا بناهای مذهبی تبلور و تأکید بیشتری از بُعد سیاسی پیدا کنند و به عنوان یک اولویت در ساختار شهرهای بزرگ ایران مطرح شوند. شهر، کالبد و منظر آن می‌تواند به مثابه یک نشان عمل کرده و بیان‌کننده ساختارهای شکل‌دهنده آن باشد. هیچ عنصری در شهر نمی‌توان یافت که از فرهنگ زمینه‌ای و شکل‌دهنده به آن مجزا باشد. عناصر شاخص معماری و منظر شهری همچون نشانه‌هایی از کلیت فرهنگ آن جامعه هستند. به این ترتیب ارتباط مستقیمی میان نشان فرهنگی و منظر شهرها وجود دارد. در تهران به عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران، توجه به نشان فرهنگ سیاسی در معماری بناهای شاخص از ارجحیت به سزایی برخوردار بوده، اما کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است. هر بنای سیاسی باید در خود حاوی فرهنگ سیاسی باشد. مورد مطالعه این تحقیق بنای مذهبی- سیاسی مصلی بزرگ تهران است که با نشان فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران تطبیق داده خواهد شد. مصلی در این تحقیق به مثابه نشانه‌ای از فرهنگ دینی- سیاسی در شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته تا همخوانی آن با مواضع و تفکرات سیاسی نظام مورد بررسی قرار گیرد. بازنگری بناهای مذهبی- سیاسی در شرایط معاصر با توجه به تأکید مقام معظم رهبری در زمینه الگو و سبک زندگی اسلامی- ایرانی و تسری آن به همه ابعاد موجود در جامعه، به خصوص معماری، ضرورت دارد.

۱-۱- اهداف تحقیق

هدف این پژوهش برآن است تا ارتباط منظر شهری (به عنوان نشان فرهنگی) با سیاست را مورد ارزیابی قرار داده و به تعریف نشان فرهنگ سیاسی دست یابد. لذا این مقاله دو هدف اصلی را دنبال می‌کند:

- بررسی و ارزیابی معماری بنای مذهبی- سیاسی مصلی تهران به مثابه نشان فرهنگ سیاسی و تجلی معماری قدرت در یک بنا.
- ارزیابی و انطباق شاخصه‌های کیفی معماری مصلی تهران به عنوان یک معماری سیاسی- مذهبی.

۲-۱- سؤالات تحقیق

- شاخصه‌ها و مؤلفه‌های کالبدی و نظری بارز در طراحی

و اجرا معماری سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی کدامند؟

- آیا معماری بنای مذهبی- سیاسی مصلی تهران، قابل تطبیق و حاوی ارزش‌ها و شاخصه‌های معماری مرتبط با مبانی نظری قدرت و نشان فرهنگ سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران است؟

۳-۱- فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد معماری بنای مذهبی- سیاسی مصلی تهران، کمتر توان تطبیق با شاخصه‌های نشان فرهنگ سیاسی و معماری متأثر از مبانی نظری سیاسی نظام حاکم در ایران را داشته باشد.

۴-۱- روش‌شناسی تحقیق

با توجه به ماهیت کیفی تحقیق در این بررسی از روش مطالعه اسنادی (کتابخانه‌ای) و مطالعه موردی و فن تحلیل محتوای تلخیصی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. منابع این تحقیق نیز اسناد مکتوب از جمله (کتاب، مقالات، مجلات و...) می‌باشد که از نگاهی همسو با اهداف این تحقیق برگزیده شده‌اند.

۵-۱- پیشینه تحقیق

هرچند در حوزه پیشینه تحقیقات انجام شده در عرصه مذکور، پژوهش‌هایی که به صورت مستقیم معماری بناهای شاخص را به عنوان نشان فرهنگ سیاسی در ایران را مورد بررسی قرار داده باشد مشاهده نگردیده است، ولی ارتباط بین معماری و سیاست در پژوهش‌های بین‌المللی همواره مورد توجه قرار گرفته است. ارسطو، در اثر خود «سیاست» را با تعریف موضوع آن، یعنی شهر یا اجتماع سیاسی، آغاز می‌کند. وقتی اذعان می‌کند که «فضیلت هر شهر وابسته به آن است که افرادی که در حکومت شرکت دارند، دارای فضیلت باشند». ارسطو نقش رابطه میان اخلاق و سیاست و اهمیت خوب ساخته شدن یک شهر را در فراهم کردن امکان خوب زندگی کردن برای شهروندان نشان می‌دهد (ارسطو، ۱۳۸۱ و کلاتوون، ۱۳۹۵).

از پژوهش‌های ارزشمند در این خصوص می‌توان به کتاب قدرت و معماری اثر مایکل مینکنبرگ اشاره کرد که به صورت موردی به بررسی ارتباط بین معماری و سیاست در پایتخت‌های منتخب جهان می‌پردازد. به عقیده او در این کتاب معماری به معنای یک تکه از هنر، دارای ارتباطی

اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است (مونت و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۱) و سرشتی ترکیبی دارد. معماری از جهت فرم و کیفیات ظاهری، ابعاد، نحوه‌ی استقرار و چگونگی ارتباط یافتن با سایر بناها، به‌مثابه‌ی ابزاری برای بیان معنا و تجلی مفاهیم فرهنگی و حتی سیاسی تلقی می‌گردد (واله^۵، ۱۹۹۲). نمی‌توان رابطه‌ی علت و معلولی میان مفاهیم سیاسی و هیچ نشانه دیگر برقرار نمود. «اما نشانه‌ی نمادین از طریق قرارداد با موضوع مرتبط می‌شود» (پهلوان، ۱۳۸۵: ۴۴). سیر تحولات تاریخی، معماری و سیاست به تدریج نشانه‌هایی را در قالب استعاری با برخی مفاهیم سیاسی مرتبط ساخته و اشاره به آن‌ها در معماری معاصر می‌تواند استعارات فرهنگ سیاسی را احیا کند. نهادهای قانونی می‌توانند به صورتی نمادین از بناهای معماری به عنوان ابزاری برای اعمال اقتدار خود استفاده کنند (دیونی^۶، ۱۹۹۹ و سوچیک^۷، ۲۰۰۵).

مفهوم «امر سیاسی» به‌مثابه فعالیتی خاص و مستقل، عمدتاً با آثار «کارل اشمیت» گره می‌خورد. در نظر اشمیت، سیاست چیزی نیست مگر تصمیم‌گیری فرد حاکم در وضعیت استثنایی یا به عبارت دیگر، کنش ترسیم یک مرز در فضای استثنایی برخاسته از تعلیق هرگونه قانون، به قصد مشخص ساختن قلمرو حاکمیت و ایجاد تمایز میان درون و برون، خودی و غیرخودی و نهایتاً دوست و دشمن (اشمیت^۸، ۱۳۹۵). در (شکل ۱) عوامل و شاخصه‌های استخراج شده از تعریف امر سیاسی آمده است.

یکی از مهم‌ترین عوامل امر سیاسی مفهوم تمایز و مشترک با نشانه‌شناسی شهری است. آموزه‌های فرهنگی می‌توانند بسیاری از تفسیرهای ذهنی ناشی از نشانه‌های سیاسی را رقم زنند (صادق فلاح و نوحی، ۱۳۹۱: ۲۲). نماهای معماری نقشی مهم در انتقال استعارات فرهنگ سیاسی دارند و نمادی از وضعیت پشتیبان پروژه بنای سیاسی در جامعه هستند (سونه^۹، ۲۰۰۳). طراحی شهری و سبک‌های معماری به عنوان بازتابی از پروژه سیاسی یک حکومت قابل قرائت است. ساختمان شهری پایتخت یکی از مکانیسم‌های کلیدی است که حکومت به وسیله آن خودش را می‌سازد، قدرت‌ش را تولید می‌کند و اقتدار و صلاحیتش را مشروعیت می‌بخشد. از این‌رو می‌توان به ساختمان‌های شهری شاخص در پایتخت‌ها به عنوان نشان فرهنگ سیاسی توجه نمود. (جدول ۱)

چندوجهی می‌باشد و نه تنها انعکاس‌گر مقاصد طراح آن و یا سیاستمدار است بلکه همچنین در گفتمانی فرهنگی با بستر خود است. او بر این باور است که هر کار معماری را می‌توان به صورت نشانه‌ای از قدرت، ثروت، ایده‌آل‌گرایی و حتی فلاکت سازندگان و معاصران آن در نظر گرفت.

کتاب ارزشمند دیگر در این موضوع «معماری، قدرت و هویت ملت‌ها» نوشته لارنس جی واله می‌باشد. وی در این کتاب به بررسی این تأثیر و تأثر از طریق منظر شهری و بناهای شاخص شهری می‌پردازد که توسط دولت‌ها ساخته شده‌اند.

ناصر فکوهی نیز در کتاب انسان‌شناسی فرهنگ از دید کلی‌تری این ارتباط را مورد مطالعه قرار داده و یکی از پایدارترین پیوستارهایی که در تاریخ شهرنشینی ایران مشاهده می‌شود، ارتباط مستقیم میان اقتدار قدرت سیاسی از یک‌سو و رشد و شکوفایی شهرنشینی از سوی دیگر می‌داند. این مقاله به صورت موردی به نقش معماری بناهای سیاسی در ایران بعد از انقلاب پرداخته و مصلی تهران به عنوان نمونه موردی و الگوی این نشان‌ها، شاخصه‌هایش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۲- نشانه‌شناسی فرهنگ سیاسی

هر بنای شاخص حکومتی می‌تواند به عنوان یک نشانه در شهر مطرح شود. نشانه در معنایی گسترده به هر متن اعم از اجتماعی، فلسفی، هنری، سیاسی تسری یافتنی است (بشیریه، ۱۳۷۹: ۷۱). معماری شهری، پتانسیل انتقال پیام به توده مردم را داراست (جنکس^۱، ۱۹۹۷). معماری قادر به بیان معانی اجتماعی و ذهنی از جمله بیان اعتقادات مذهبی و عمل سیاسی جامعه از طریق شکل بصری و فیزیکی‌اش است (راپپورت^۲، ۱۹۹۰ و ویتروویوس^۳، ۱۹۹۱ و موریس^۴، ۱۹۹۸). برخی از نشانه‌های شهری دارای ارتباطی مستقیم با فرهنگ و رژیم سیاسی حاکم هستند و از آن به نشان فرهنگ سیاسی تعبیر می‌شود. با تعریف از سیاست و امر سیاسی می‌توان تعریف مشخصی از نشان فرهنگ سیاسی ارائه داد. اگر معماری و منظر شهری را کالبد در نظر بگیریم، سیاست و امر سیاسی جاری در هر کشور مانند روح و محتوای آن عمل خواهد کرد.

فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از ارزش‌ها، احساسات،

5. Vale
6. Dovey
7. Sudjic
8. Schmit
9. Sonne

1. Jencks
2. Rappoport
3. Vitruvius
4. Morris

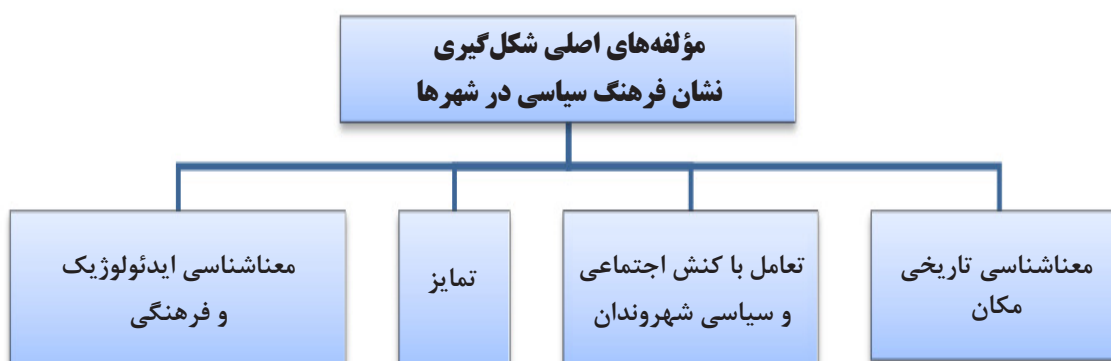


شکل ۱- عناصر اصلی تشکیل‌دهنده امر سیاسی از نگاه اشمیت، منبع: نگارنده با استفاده از (اشمیت، ۱۳۹۵).

فرستنده	حکومت (مدیران شهری و فرهنگی)
قالب رمزگان نشان فرهنگی	تصویر، آرم و یا فرم‌های متداول در معماری را در برمی‌گیرد
فرآورده	پیام مدنظر نظام سیاسی تحت تأثیر زمینه و دریافت مخاطب
گیرنده	شهروندان (ملت)
زمینه	روزگار ارائه پیام، موقعیت تاریخی، اجتماعی، روان‌شناسی و سیاسی

جدول ۱- نشان فرهنگ سیاسی در بستر معماری سیاسی، مأخذ: نگارندگان با استفاده از سونه و فلاح و نوحی، ۱۳۹۱.

نشان فرهنگ سیاسی، مهم‌ترین ویژگی سیاسی فرهنگ در معماری است که کلیت فرهنگ سیاسی شهر را منعکس می‌کند و موقعیت خاص و انحصاری شهر را به لحاظ سیاسی بیان کرده و می‌سازد (چندلر، ۱۳۸۷: ۳۱۶). مسئولین شهری می‌توانند با کنترل نشان فرهنگی و ساخت‌وسازهای بناهای سیاسی شهر بر آن اساس، فرهنگ سیاسی شهر را هدایت کنند. برجسته شدن نشان فرهنگ سیاسی در نهایت حرکتی رو به پایین ایجاد کرده و بر فرهنگ سیاسی شهروندان نیز تأثیرگذار خواهد بود. چهار عامل اصلی در تعیین نشان فرهنگ سیاسی مناسب برای شهرها به شرح (شکل ۲) می‌باشد:



شکل ۲ - مؤلفه‌های شکل‌گیری نشان فرهنگی سیاسی، منبع: نگارنده.

۳- تجزیه و تحلیل

۳-۱- نشان شناسی فرهنگ سیاسی

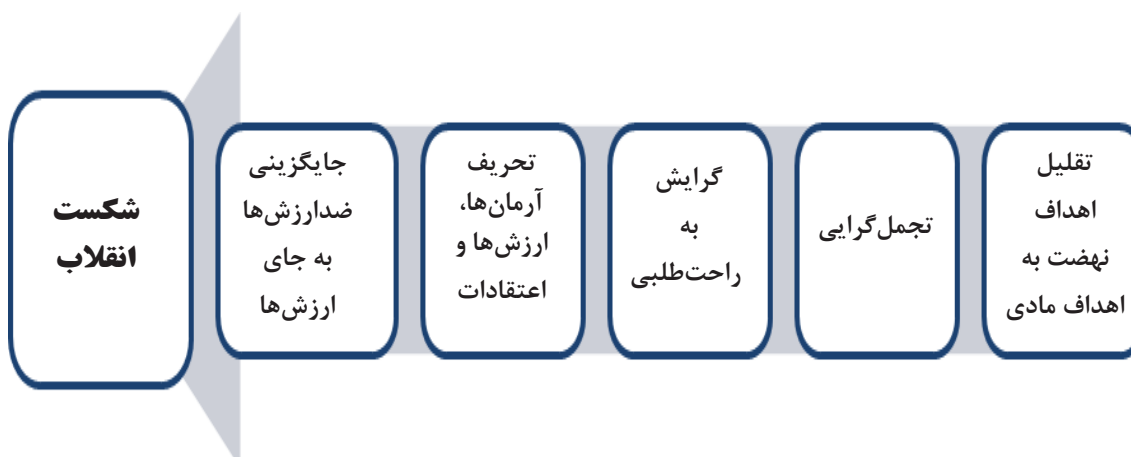
در انقلاب ۱۳۵۷ ساده گرایی در مقابل تجمل به عنوان ارزش مطرح شد و مفاهیم عدل و قسط در اسلام به قدرت راه پیدا کرد تا بدانجا که «سیاست عین دیانت» شد و انقلاب ایران «انقلاب اسلامی» نامیده شد. از این رو نظر امام خمینی (ره) بیانگر آن است که جدایی دین از سیاست جایز نیست و از سوی دیگر در تعریف سیاست می فرماید: «سیاست روابط مابین حاکم و ملت و حاکم با سایر حکومت ها و جلوگیری از مفاسد سیاسی است.» (روح الله خمینی (ره)، ۱۳۸۹). از ویژگی های متمایز انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی می توان به موارد زیر اشاره کرد (شکل ۳).

انقلاب از دید امام (ایدئولوگ)



شکل ۳- ویژگی های انقلاب اسلامی از دید رهبر یا ایدئولوگ آن، مأخذ: (نگارندگان با استفاده از صحیفه امام)

در این میان عوامل شکست انقلاب اسلامی از دید رهبر انقلاب نیز می تواند به استخراج مؤلفه های معماری و فرهنگ سیاسی کمک نماید.



شکل ۴- عوامل شکست انقلاب اسلامی از دید رهبر انقلاب، مأخذ: (نگارندگان براساس نظریات امام خمینی در صحیفه امام، ۱۳۸۷)

براین اساس، مهم‌ترین مؤلفه نشان فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران، عامل تمایز سیاسی و سادگی آن است. تمایز سبب ایجاد مؤلفه‌های خردتری چون معنانشناسی ایدئولوژیک و فرهنگی، معنانشناسی تاریخی مکان و تعامل با کنش اجتماعی و سیاسی شهروندان می‌شود. این مؤلفه‌ها همگی از بستر تمایزات نشأت می‌گیرند. در نظریه امر سیاسی اشمیت؛ حاکم، مردم یا جامعه و قلمرو یا سرزمین تمایزات موردنظر هستند. انطباق این تمایزات می‌تواند سه مؤلفه مهم دیگر نشان فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران که شامل تمایز راهبردهای سیاسی خاص نظام جمهوری اسلامی، حقایق فرهنگ سیاسی خاص جامعه ایرانی-اسلامی و مفهوم سرزمینی منحصر به فرد ایران است را مشخص کند.

در ادامه نتایج حاصل انطباق نظر کارل اشمیت در امر سیاسی و مؤلفه‌های نشان فرهنگ سیاسی و چگونگی استنتاج نشان فرهنگ جمهوری اسلامی ایران آمده است که بر این اساس بنای سیاسی که معرف یک نشان سیاسی در معماری است نیازمند آن است که دارای ویژگی‌هایی باشد که اهم آن‌ها در زیر اشاره می‌گردد:

- ۱- وجود نشانه‌هایی از اهداف و سیاست‌های کلی نظام انقلاب اسلامی ایران
- ۲- تأکید بر تمایز مهم حکومتی در معرفی نظام جدید جمهوری اسلامی (حاکمیت ارزش‌های دینی و انسانی)
- ۳- حضور هویت و فرهنگ ایرانی-اسلامی (ساده زیستی و عدالت)

۴- در نظر داشتن مفهوم سرزمین ایران به لحاظ تاریخی بعد از اسلام و به عنوان کشوری مستقل در جهت اقتدار سنت اسلامی

در ادامه مصلی تهران به عنوان نمونه موردی از این مورد ارزیابی قرار گرفته است و ویژگی‌های ۴ گانه فوق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴- نشان فرهنگ سیاسی در مصلی بزرگ تهران

مصلای تهران یا همان مصلای امام خمینی مجموعه‌ای از بناها و فضاهای لازم برای مراسم عبادی سیاسی و در پاره‌ای از شرایط اجتماعی و فرهنگی در تهران است در زمینی به وسعت ۶۵ هکتار از سال ۱۳۶۹ در حال احداث می‌باشد و بر مبنای گفته‌های مسئولین ظرف پنج سال آینده به بهره‌برداری کامل خواهد رسید. مصلای امام خمینی که مجموعاً تا ۵۰۰۰۰۰ نفر گنجایش دارد، تنها به عنوان محل برگزاری نمازهای یومیه و نمازهای جمعه

مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه به صورت مجتمع بزرگ اسلامی با کاربری‌های متنوعی طراحی شده است.

دلیل اصلی انتخاب این بنا به عنوان مورد مطالعه این پژوهش شاخصه کارکرد مذهبی - سیاسی آن است. مذهب در کنار رویکرد حکومتی می‌تواند در معماری قدرت ظهور و بروز داشته باشد. همان‌گونه که حکومت‌ها به منظور تحکیم رژیم خود نسبت به احداث مراکز خاص با کاربری قدرت و یا نماد قدرت حاکمه، اقدام می‌کنند، برای مذهب مورد حمایت‌شان نیز می‌توانند معماری با کارکرد مذهبی و نماد مذهبی بنا نمایند؛ بنایی که علاوه بر کارکرد مذهبی توأماً بر رویکرد قدرت نیز تأکید نماید. در خصوص نظام جمهوری اسلامی می‌توان گفت مذهب در اینجا می‌تواند قوی‌ترین ابزار مشروعیت محسوب شود. چرا که دموکراسی منتخب مردم در ایران، دموکراسی اسلامی است؛ بنابراین در چنین شرایطی بنای مذهبی از کارکرد صرف خود خارج شده و در عمل به وسیله‌ای در دست حکومت برای تبلیغ و انتشار ایده ضمنی سیاسی تبدیل می‌شود. دلیل اصلی انتخاب این بنا به عنوان مورد مطالعه این پژوهش، کارکرد مذهبی - سیاسی آن است که سبب شده شاخصه‌های معماری قدرت را داشته باشد. مصلی به عنوان تریبون قدرت و محل بیان موضع حکومت مطرح است. شاخصه‌های نشان فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه معماری مصلای تهران در ۴ دسته به این ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴-۱- شاخصه اول: انعکاس اهداف و سیاست‌های کلی نظام انقلاب اسلامی

با توجه به عنوان جمهوری اسلامی، مهم‌ترین عامل در این زمینه توجه به قدرت مردم و دین اسلام (مردم‌سالاری دینی) است. این عنوان اصطلاح تازه‌ای در گفتمان‌های سیاسی دنیاست و بر آن است تا نظام اسلامی را از الگوهای سکولار غربی متمایز کند. آیت‌الله خامنه‌ای در توضیح آن می‌فرمایند: (مردم‌سالاری دینی... یک حقیقت واحد در جوهره نظام اسلامی است؛ چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بدون مردم نمی‌شود؛ ضمن آن که تحقق حکومت مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست).

حضرت محمد (ص) در مورد مصلی فرمودند: «اینجا محل اجتماع‌های ما، محل درخواست باران و محل دعا در عیدهای فطر و قربان است. پس در اینجا هیچ خشتی بر خشت نگذارید و خیمه‌ای نسازید» (نجفی، ۲۰۰۷). مصلی از نظر لغوی به معنای محل نماز خواندن است. این واژه

(روح‌الله خمینی (ره)، ۱۳۸۹).^۱

از مرجع تقلید بزرگ دیگری نیز استفتائی صورت نگرفت. با توجه به این موارد نمی‌توان انتظار داشت که کدها و نشانه‌های مبنی بر نمایش شاخصه مردم‌سالاری دینی در این پروژه به ظهور رسد.

۴-۲- شاخصه دوم: تمایز

تمایز باید در خدمت معرفی تفاوت‌های نظام سیاسی ایران باشد. نشانه‌شناسی شهری در قالب نشان فرهنگی و نیز امر سیاسی هر دو بر تمایز که قابلیت برجسته شدن دارند تأکید می‌کنند. مهم‌ترین وجه تمایز مصلی در عظمت آن است. هرچند میرهن است که انقلاب‌های مردمی حتی با حفظ وجه مردمی بودن آن‌ها باز هم به مفهوم «عظمت» نیاز دارند؛ اما مفهوم عظمت در بنای مصلی بیشتر از منظر کالبدی مورد توجه مدیران شهری و سیاسی بوده است. نمود شاخصه تمایز در معماری بنای مصلی باید در ارائه سبکی مختص دولت و ملت ایران باشد. در بسیاری از جوانب این پروژه تأثیر از الگوهای معماری و پرتجمل کشورهای عربی و اروپایی مشاهده می‌شود مانند مسجد ملک قابوس در عمان، مسجد قرطبه و الحمراء اسپانیا. هرچند این بنا به واسطه عظمت کالبدی و تجمل توانسته متمایز شود اما در تطابق با سایر شاخصه‌ها این تمایز توجیه‌پذیر نیست.

در پژوهشی که توسط بینگهام^۲ در سال ۲۰۱۵ در خصوص خصوصیات فرهنگی و مذهبی سه کشور مسلمان ایران و اردن و مصر انجام شده می‌توان خصوصیات فرهنگی ایرانیان را مبنی بر "خود برتر انگاری در جهان" نسبت به سایر مجامع مسلمان بررسی کرد. ایرانیان در بین کشورهای مسلمان به لحاظ فرهنگی و تمدنی، خود را برتر از سایر ملت‌ها می‌دانند. این تفاوت می‌تواند وجه تمایزی و علاقه ایرانیان به عظمت‌گرایی کالبدی را توجیه کند. به این ترتیب به نظر می‌رسد تمایز مصلی در عظمت کالبدی آن بیشتر منشأ فرهنگی داشته باشد تا مذهبی. مصلی از دید تمایز سمبل شاخصی از نظام جمهوری اسلامی نیست زیرا کدها و نشانه‌های تمایز مورد انتظار در آن وجود ندارد و مشخصات نشان فرهنگ سیاسی را نمی‌توان به‌طور کامل با آن تطبیق داد.

مفهومی گزینشی به بهره‌برداران بنا می‌دهد زیرا معنای مردمی آن نسبت به مسجد جامع کمتر است. طبقه مرتبط با طبقه سیاسی حاکم جزء مخاطبان مستقیم آن محسوب شده و از این طریق مانور سیاسی همبستگی طبقه حاکم در سطح ملی و فراملی برگزار می‌گردد. این واژه بیشتر محوریت مذهبی- سیاسی دارد تا مذهبی- مردمی.

در فرآیند طراحی و تصویب طرح این پروژه که توسط ارگان‌های دولتی و نظامی صورت گرفت؛ اما در راستای اصول طراحی معماری پروژه شایسته بود از کمیته‌ای متشکل از معماران، نظریه‌پردازان خبره و حتی به صورت غیرمستقیم با جلب نظر مردم صورت می‌گرفت.

بهره‌برداری بنا برای عموم مردم به صورت کنترل شده است و مردم نمی‌توانند در آن به عنوان فضایی اجتماعی در آن حضور یابند. درهای بسته این بنا و بهره‌برداری از آن در موارد و زمان‌های خاصی مانند نمایشگاه‌های کتاب و... مؤید این مطلب است. مصلی تهران اگر به عنوان فضای عمومی و متعامل با شهر پیوند می‌خورد می‌توانست حضور غیرکنترل شده مردم را در خود داشته باشد حال آنکه به عنوان فضای وسیعی که در بخش مهمی از طول هفته خالی از شهروندان است این امر را به ذهن متبادر می‌کند که فضایی با کنترل زمان حضور شهروندان است.

انتقاداتی از سمت روحانیونی همچون آیت‌الله موحدی کرمانی درباره طولانی شدن ساخت بنا و نادیده گرفتن نمازگزاران مطرح گردیده است. ایشان در خطبه دوم نماز جمعه ۲۱ خرداد سال ۱۳۹۶ فرمودند: «اصلاً مصلی برای نماز جمعه است، برای تجارت نیست. این مسئله ظلم به نمازگزاران جمعه تهران است که باید زیر آفتاب نماز بخوانند و به خطبه‌های نماز گوش فرا دهند.»

نکته دیگر عدم انتقادپذیری در جریان اجرای پروژه مصلی از طرف کارشناسان متخصص بود. معمار این ساختمان به پیشنهادات اصلاحی متخصصان توجه نکرده که این امر خود با اصول انقلاب اسلامی در آزادی بیان و مردم‌سالاری سازگار نیست. فرآیند ساخت این بنا به لحاظ دینی نیز جای تأمل دارد. اجرای چنین پروژه‌هایی ذاتاً امری دینی نیست اما جهت تعیین رویکرد طرح باید سلسله‌مراتب فقهی طی می‌شد. در این مسیر تنها نظر امام خمینی (ره) کسب شد که در نهایت نیز به‌طور کامل اعمال نشد. امام خمینی (ره) اجازه ساخت مصلی را داده بود و خاطرنشان فرموده بودند: «سادگی مصلی باید یادآور سادگی محل عبادت مسلمانان صدر اسلام باشد؛ و شدیداً از زرق‌وبرق ساختمان‌های مساجد اسلام آمریکایی جلوگیری شود»

۱. جلد ۲۱ صحیفه امام خمینی (ره)، از صفحه ۱۸۸ تا صفحه ۱۸۹

2. Bingham



شکل ۵- برخی از عکس‌ها و جملات به کار گرفته شده در سایت رسمی مصلی، منبع: mosala.ir

۳-۴- شاخصه سوم: هویت و فرهنگ ایرانی اسلامی

براساس نظرات «مایکل میکنبرگ»^۱، استاد سیاست تطبیقی، زمانی که انقلابی اتفاق می‌افتد، ارزش‌ها نیز تغییر می‌کنند. این بدان معنی است که برخی ارزش‌های فرهنگی پیشین جامعه که چندان موردقبول نیست با ارزش‌هایی جدید جایگزین می‌گردند.^۲ در انقلاب ایران مهم‌ترین تغییر از تجمل‌گرایی به ساده‌گرایی و یا گذر از شاهنشاهی به نظامی مردمی و عدالت محور بود. ساده‌گرایی در هویت ایرانی اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و یک ارزش محسوب می‌شود. امام خمینی (ره) نیز بر این امر صحنه می‌گذارد که: «ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ‌نشینی را از این ملت بزداییم» (امام خمینی، جلد ۱۷، ۳۷۵). استفاده از واژه کوخ‌نشین در تقابل با کاخ‌نشینی و تجمل، در سخنان ایشان به کرات آمده است.^۳ مهم‌ترین ویژگی هویتی اسلامی در جماران نیز در سادگی آن نهفته است. (تصویر ۳ و ۴)

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۰. پاییز ۱۴۰۴

Urban managment
No.80 Autumn 2025

۶۴



شکل ۶- تصاویر نمایی از محل سخنرانی در حسینیه جماران (سمت راست) و حسینیه امام خمینی (سمت چپ) مأخذ: www.khamenei.ir&rouhollah.ir

در خصوص معیار سادگی به نظر می‌رسد نیاز به بسط موضوع می‌باشد، در اینجا منظور سادگی است که در آن مفاهیم پرهیز از اسراف و تجمل می‌گنجد این معیار از مفاهیم اسلامی منبعث شده که در راستای استحاله ارزش‌های دوران شاهنشاهی به جمهوری نیز مصداق دارد. همان‌طور که عنوان شد انقلاب اسلامی انقلاب سیاسی بود که جنبه‌های اجتماعی گسترده‌ای داشت از این‌رو جامعه پس از انقلاب، بسیاری از ارزش‌های پیش از آن را قبول نداشته و در معماری و شهر به نفی آن‌ها می‌پردازد. تأکید بر عظمت کالبدی، تجمل و تفاخر که در معماری قدرت پس از انقلاب مانند مصلی،

1. Michael Minkenberg

۲. برگرفته از مصاحبه نگارندگان با دکتر مایکل میکنبرگ در تاریخ ۹۵/۹/۲۰، آلمان، فرانکفورت.
۳. در جمع‌آوری این سخنان از صحیفه امام مجموعه ۲۲ جلدی چاپ ۱۳۸۹ استفاده شده است.

چندین هزار تن خاک جابه‌جا شده است. در کل، اصالت فضای باز میانی مهم‌ترین حسن این مجموعه و تبدیل آن به عنوان نشانه معماری جمهوری اسلامی به عنوان یکی از عیوب اصلی آن تلقی می‌شود (حمزه نژاد و دیگران، ۱۳۹۲) در حقیقت، این فضا با وجود محاسن معماری‌اش نتوانسته کل بنا را به یک نشانه از نظام ارتقاء دهد. طرح فضای داخلی شبستان در حاشیه محراب بزرگ و پُرکار آن از انبوه تزئینات کاشی معرق نفیس برخوردار است که تأکید بر تجمل‌گرایی دارد.

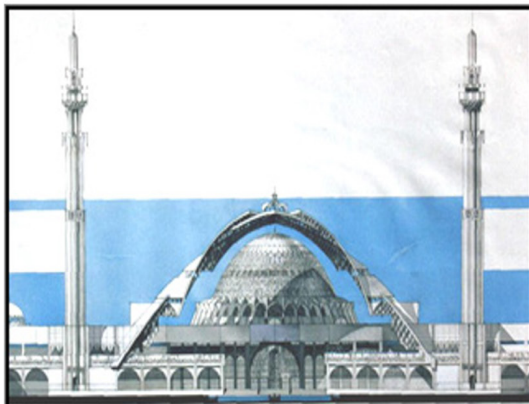
حرم امام و شورای تشخیص مصلحت نمود پیدا کرده به هیچ‌وجه با این سیر نظری انقلاب ایران همخوانی نداشته است.

در خصوص مصلی با صرف هزینه هنگفت، تزئینات بسیار و مقیاس بسیار بزرگ (در گنبد و کنگره‌ها) نمی‌توان اثری از این شاخصه را دریافت کرد. این در حالی است که پیامبر (ص) فرمودند: برای ساخت مصلی نباید سنگ روی سنگ نهاده شود (حورعاملی، ۱۳۸۴: ۲۰۴). حمزه نژاد در مقاله‌ای اشاره می‌کند: تنها برای ساخت گنبدخانه این مجموعه،



شکل ۷- نماهایی از بالکن سخنرانی مصلی تهران. مأخذ: musalla.ir

نمود عناوینی چون «بزرگ‌ترین ایوان فلزی و بتنی جهان»، «فخر معماری جهان»، «بزرگ‌ترین سازه طاقی شکل دنیا»^۱ در این میان به چشم می‌خورد. این شرایط نشان از تغییر ارزش‌ها نسبت به ابتدای انقلاب را دارد. خصوصیات زیادی در مصلی تهران مشاهده می‌شود که ویژگی‌های معماری کاخ‌های ایران باستان را به خاطر می‌آورد. از جمله تناسبات طلایی و طرح منظم در امتداد محور متقارن طاق‌های گهواره‌ای یا گنبد. چنین ویژگی‌هایی به یادآورنده شکوه و عظمت در بناهایی همچون طاق کسری (ایوان مدائن) در زمان ساسانیان است. (شکل ۸)



شکل ۸- نمونه از معماری ساسانی در طاق کسری (ایوان مدائن): مأخذ: Archive of design competition organizer- www.fadak.us, Musalla

حجت‌الاسلام و المسلمین محسن قرائتی به تجملات مصلی انتقاداتی وارد کردند: «من خودم دستخط امام (ره) را دیده‌ام که نوشته بودند: مصلی تهران را بزرگ و محکم بسازید اما بدون تزئینات؛ اما آیا چنین شد؟»^۱ نمی‌توان شکوه و تجمل این بنا را در کنار شاخصه هویت فرهنگی ایرانی-اسلامی آن جمع بست. پایتخت‌نشینان نیز نتوانسته‌اند مصلی را به‌مثابه نمونه‌ای موفق از فضای زنده شهری بپذیرند.

۴-۴- شاخصه چهارم: مفهوم سرزمینی ایران و رجوع به عناصر معماری ایرانی

در این پروژه نمادهایی در جهت معرفی سرزمین ایران (به غیر از الهام از مساجد صفوی آن‌هم در تزئینات و عناصر جزئی) و تاریخ شهری تهران موردتوجه نبوده است. بنای مصلی تهران را نمی‌توان صرفاً یک بنای مدرن یا یک بنای تاریخی و ملی دانست. گنبد جناغی که از کلاه‌خود سربازان ایرانی در پیش از اسلام الهام گرفته شده از نمونه‌های الهام از گذشته تاریخی است.^۲ گنبد و گلدسته‌ها نیز نماد معماری دوره اسلامی هستند. این نمادها نه از دید بین‌المللی و نه ملی نتوانسته‌اند در انتقال پیام موفقیت‌چندانی داشته باشند. یکی از دلایل این امر را می‌توان این دانست که مسئولین و مدیران تصمیم‌گیرنده و تصویب‌کننده این طرح، متخصص معماری و شهرسازی با رویکرد اسلامی نبوده‌اند و یا مشاورانی از این تخصص در تصویب و اجرا طرح اثرگذار نبوده‌اند.

هرچند در فرهنگ ایرانی نمادهایی به ظاهر تجملی وجود دارند که نشانه‌ای از مذهب و فرهنگ ایرانی هستند؛ مانند حرم امام رضا علیه‌السلام که گنبد طلا را به یکی از نمادهای اصلی شیعیان تبدیل کرده است. تقدس این گنبد با انتصاب به امامی معصوم بدست آمده و نه به واسطه کالبد و فرم معماری. تجملات مدرن مصلی که در بسیاری دیگر از مساجد مدرن دنیا آزمونده شده‌اند مساجدی چون ملک قابوس و مساجد کشورهای حاشیه خلیج فارس در این کشورها با توجه به عدم پیشینه معماری تاریخی قابل اتکا استفاده از این الگوها شاید تا حدی قابل پذیرش‌تر باشد حال آنکه در کشوری مانند ایران که پشتوانه معماری ارزشمندی در جهان دارد رویکرد صرف به تجملات مدرن با توجه به غنای بستر تاریخی نمی‌تواند به پاسخی درخور دست یابد.

۱. این مطالب را خبرگزاری انتخاب به نقل از حجت‌الاسلام محسن قرائتی ۱۳۹۱ در مراسم کلنگ زنی ۷۲ مسجد آورده است.

2. <http://www.musalla.ir/news/263>

بهره‌مندی از عناصر تجملی مأنوس با ایرانیان حداقل می‌توانست به لحاظ فرهنگی ارتباط بهتری با کاربران برقرار کند. بسیاری از فرم‌های به کار رفته در مصلی یا نمادهای تاریخی هستند که به دلیل استفاده نادرست از هویت غنی خود خالی شده‌اند و یا ذاتاً مفهوم خاصی نداشته و برای عامه مردم قابل درک نیستند. (مانند استفاده از کلاه‌خود سربازان ایران باستان و طاق کسری که اگر از سوی معمار پروژه آقای مؤید عهد بدان اشاره نمی‌شد توسط مردم و بهره‌برداران قابل درک و تداعی وجوه تاریخی نبود). به همین سبب وظیفه نشان‌بودگی در اجزا و کلیت مصلی تهران به نحو مطلوب صورت نمی‌پذیرد.

۵- نتیجه‌گیری

براساس مطالب فوق، معیارها و ویژگی‌های عملی به کار گرفته شده در مصلی تهران تأکید بر عظمت بنا بخصوص عظمت کالبدی، استفاده از تکنولوژی‌های نوین سازه‌ای است، از وجوه معماری اسلامی می‌توان به استفاده از اعداد مقدس اسلامی و از وجوه معماری ایرانی می‌توان به الگوپذیری از طاق کسری و کلاه‌خود سربازان ساسانی اشاره کرد.



شکل ۹- معیارها و ویژگی‌های عملی معماری قدرت در مصلی، مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۷)

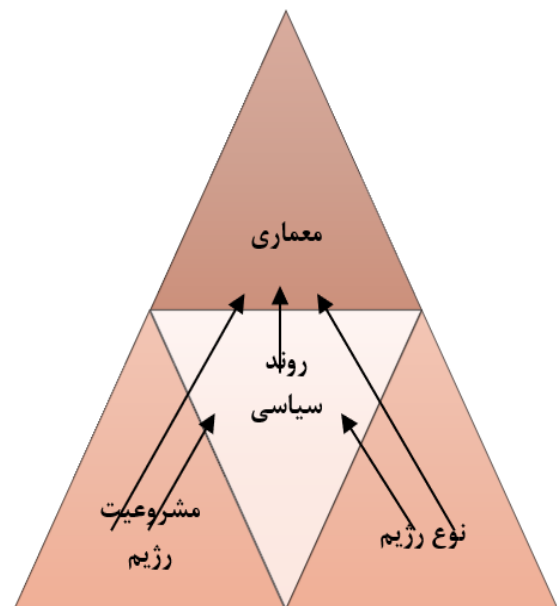
در هر قدرتی و معماری قدرتی قابل مشاهده است؛ و برخی دیگر به عنوان شناسنامه نقشی در بیان تمایز قدرت‌ها دارند. از این‌رو در ادامه از این میان، وجوه تمایز معماری قدرت جمهوری اسلامی استنباط گردید. شایان ذکر است این بدان معنی نیست که سایر موارد بی تأثیر هستند بلکه وزن متفاوتی دارند. این وجوه تمایز عبارتند از: سادگی - نه شرقی و نه غربی نماد تمایز بومی و هویتی- معماری ایرانی- اسلامی - عدالت و اسلامی بودن (شکل ۱۱)

در خصوص بسط این موضوع می‌توان گفت رژیم‌هایی که ارتباط معناداری بین مبانی نظری با نشان فرهنگ سیاسی‌شان (معماری بنای سیاسی) داشته باشند می‌توانند جامعه داخلی و بین‌المللی را به خوانشی صحیح از رویکردشان رهنمون سازند. معماری قدرت در به عنوان نشان فرهنگ سیاسی بخصوص در انقلاب‌ها نمایش ارزش‌هایی است که جامعه جایگزین ارزش‌های پیش از انقلابش کرده است. این به معنی نمایشی "استحاله ارزش‌ها" است که مارکس در نظریه انقلاب‌ها به عنوان یکی از شاخصه‌های انقلاب‌ها مطرح می‌کند. از این‌رو این نوع معماری در جمهوری اسلامی هر چه در ارتباطی شفاف با مبانی نظری‌اش باشد برای جامعه قابل فهم‌تر است و از سوی دیگر چندگانگی سبب مخابره پیام‌های متناقضی می‌گردد. این تناقض و چندگانگی نمی‌تواند از نظر رویکرد و فرم انتقال‌دهنده ارزش‌ها و مبانی نظری انقلاب و نظام جمهوری اسلامی باشد. مهم‌ترین اصول به کار گرفته شده در معماری قدرت جمهوری اسلامی اصولی هستند که به عنوان وجوه تمایز آن می‌توانند مطرح باشند.

براساس (شکل ۱۱) می‌توان وجوه تمایز معماری سیاسی که مؤید یک نشان فرهنگ سیاسی است را در دو معیار نهایی تجمیع کرد که براساس نظر رهبر و تئوریسین انقلاب امام خمینی (ره) نیز قابل تأیید است وجوه معماری اسلامی- ایرانی و اسلامی بودن در تمایز انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌ها قابل تجمیع است و عدالت نیز در سادگی و پرهیز از تجمل قابل ذکر است. از این‌رو دو وجه سادگی و تمایز می‌تواند دو معیار نهایی باشد که در پایان این مقاله آمده است: این دو عبارتند از: سادگی که درون آن مفاهیم پرهیز از اسراف و تجمل می‌گنجد و معیار دوم تمایز است که نشأت گرفته از گفته امام است "نه شرقی نه غربی" این تمایز، مفاهیم هویت و استقلال از یک‌سو و از سویی دیگر مفهوم ایرانی- اسلامی را در خود دارد.

در بررسی نشان فرهنگ سیاسی مناسب جمهوری اسلامی همان‌طور که در تحلیل مقاله آمده است می‌توان به تحول فرهنگی ایرانیان در صدر انقلاب به ساده‌گرایی و پرهیز از اسراف را اشاره کرد. از این‌رو بنای شاخصی چون مصلی نیز باید تحول فرهنگ سیاسی مردم به واسطه انقلاب را در خود نشان دهد.

قدرت سیاسی می‌تواند در معماری عمومی، ساختمان‌های دولتی و طراحی شهری و مکان‌های رسمی و به عنوان اجزای تشکیل‌دهنده بنیان مشروعیت بازتعریف شود. به همین شکل معماری و طراحی شهری نیز نمودی از فضا در مفهوم سیاسی شده آن هستند. بدین معنا که اکثر اوقات فضای سیاسی از سوی منافع سیاسی هدایت می‌شود. پس از مطالعه و مشاهده بیشتر براساس آراء مایکل میکنبرگ می‌توان تلفیقی از دیدگاه‌های اساتید و واقعیت موجود در باب قدرت سیاسی و معماری عرضه شود. (شکل ۱۰)



شکل ۱۰- ارتباط نوع رژیم، روند سیاسی، مشروعیت و معماری عمومی در سطح سوم رابطه سیاسی سازی فضای معماری و شهری، مأخذ: (نگارنده با استفاده از میکنبرگ ۲۰۱۴)

از بررسی نظرات رهبران انقلاب و قوانین که منبعت از تفکر و رویکرد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بود معیارهایی استنتاج گردید (شکل ۱۰). معیارها از بررسی مواردی چون: ایده انقلاب، گفته‌های مستقیم رهبران، عوامل انحطاط انقلاب، مفاهیم قدرت و سیاست نظام و مفهوم دموکراسی بدست آمد. این معیارها و ویژگی‌های معماری قدرت بیانگر آن است که برخی از این موارد همه‌شمول و جهانی است و

وجوه تمایز
معماری
قدرت
جمهوری
اسلامی

اسلامی بودن

عدالت

معماری
ایرانی - اسلامی

سادگی (پرهیز
از تجمل)

نه شرقی و
نه غربی (تمایز)

شکل ۱۱- وجوه تمایز معماری سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۷)

منابع فارسی

۱. ارسطو. ۱۳۸۱. سیاست، ترجمه حمید عنایت، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۲. نوروزی چاکلی، عبدالرضا؛ حسن‌زاده، محمد؛ نورمحمدی، حمزه علی. (۱۳۸۸). سنجش علم، فناوری و نوآوری. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
۳. کلایتون، ای. (۱۳۹۱). شهر از دیدگاه ارسطو. ترجمه زهره دودانگه، تهران: مجله انسان‌شناسی و فرهنگ.
۴. - اشمیت، کارل. (1395). مفهوم امر سیاسی، ترجمه یاشار جبرانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات ققنوس.
۵. - بشیریه، حسین. (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: موسسه فرهنگی آینده پویای تهران.
۶. - پهلوان، فهیمه. (۱۳۸۵). درآمدی بر عناصر تصویری در آرم، چاپ سوم، تهران: دانشگاه هنر.
۷. - چندلر، دانیل. (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا. زیر نظر فرزانه سجودی. انتشارات سوره مهر: تهران.
۸. - حمزه نژاد، مهدی. سعادت نژاد، پریا. رضانی، شهاب. (۱۳۹۲). الگوشناسی مصلی‌های معاصر ایران و آسیب‌شناسی مفهومی آن‌ها براساس راهبردهای فقه شیعه. آرمان‌شهر. (۴۱) ۵۷-۴۱.
۹. - روزنامه اطلاعات (۱۳۷۹) سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت، ۱۳/۱۰/۱۳۷۹
۱۰. - فلاحت، م؛ سمیرا، ن. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر عناصر بصری در لوگو. چاپ سوم، تهران: دانشگاه هنر.
۱۱. - صادق فلاحت، محمد. نوحی، سمیرا. (۱۳۹۱). ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری. هنرهای زیبا. معماری و شهرسازی (۱۷) ۱۷-۲۵ پ.
۱۲. - فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی فرهنگ، تهران: نشر نی.
۱۳. یاری، فهیمه. (۱۳۹۷). معماری قدرت در جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، سید امیر منصوری، پژوهشکده معماری

در خصوص نمونه موردی که مصلی تهران است می‌توان اذعان کرد که از این جهت که عناصر معماری بکار رفته در مصلی تهران تنها در پاره‌ای از موارد با شاخصه‌های نشان فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران تطبیق دارد. ارزش‌های متعالی نظام و ساده‌سازی بنا که مهم‌ترین شاخصه نشان فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی است در این بنا وجود ندارد.

تهران شهر اقتصادی-خدماتی است. رشد مراکز تجاری رونق و تأثیر بیشتری بر شهرنشینی تهرانیان داشته تا ساخت بناهای سیاسی- مذهبی چون مصلی. نشان فرهنگی سیاسی تهران بیش از آنکه اکنون تحت تأثیر پیشینه تاریخی و مفهومی سرزمینی ایران و باورها و ارزش‌های اسلامی باشد براساس معیارهای التقاطی مدرنیته شکل گرفته و آرمان‌های انقلابی- اسلامی در نشانه‌گذاری فرهنگی سیاسی منظر و معماری شهر صورت نپذیرفته است. مصلی تهران تقلیدی سطحی و شماتیک از نمونه‌های مساجد مدرن و با حذف کاربری‌های مورد انتظار و ایده‌آل از یک مسجد جامع است.

Reference (in English)

- Minkenberg, M. (2014). Power and Architecture: The Construction of Capitals and the Politics of Space. New York: Berghahn Books.
- Horr Ameli, M. (2004). Vasa-elol Shie. Tehran, Iran: Maktabe-leslamiye Publication.
- Jencks, C. (1997). Theories and Manifestoes of Contemporary Architecture. West Sussex: Academy Editions.
- Morris, R. (1998). the Architecture of Arthurian Enthusiasm: Castle Symbolism in the Reigns of Edward I and His Successor. In Armies, Chivalry and Warfare in Medieval Britain and France. Edited by Matthew Strickland. Stamford, England: Paul Watkins.
- Najafi, M.B. (2007). Madinalogy. Tehran, Iran: Mashar Publication.
- Powell, B. Dalton, R. (2015). Comparative Politics Today: United States. My polis lab. Eleventh Edition.
- Sudjic, D. (2005). the Edifice Complex. Allen Lane: Penguin Books Ltd.
- Sonne, W. (2003). Representing The State: Capital City Planning In The Early 20th Century. New York: Prestel.
- Vitruvius. (1991). Ten Books on Architecture. Edited by Ingrid D. Roland and Thomas Noble Howe. Cambridge: Cambridge University Press.
- Photo source, (20/03/2020), [Www. rouhollah.ir](http://www.rouhollah.ir).
- Photo source, (20/03/2020), www.musalla.ir.
- Photo source, (20/03/2020), www.musalla.ir.
- Photo source, (20/03/2020), www.khamenei.ir.
- Photo source, (20/03/2020), <http://www.mehrnews.com>.
- Gharaati, M, (17/11/2012),” Cheese factory was opened in Tehran’s Masala “,www.entekhab.ir.